

بررسی کارآیی ماشین آلات کشاورزی در منطقه سیستان

* ماشاله سالارپور - ** محمدحسین کریم کشته
*** امیرحسین چیدری

چکیده:

در هر کشور توسعه یافته، گذر از مراحل رشد و دستیابی به تکنولوژی باعث تغییراتی در ساختار و الگوی اقتصادی بخش های مختلف آن گردیده است. همچنین تغییرات مثبت در ساختار و الگوی اقتصادی - اجتماعی کشورهای در حال رشد، رسیدن به توسعه و استفاده از تکنولوژی را برایشان میسر گردانده است. نمود تکنولوژی در هر کشور بسته به فرهنگ و عادات اجتماعی و تنگناهای موجود، متفاوت می باشد. در هر کشوری که بخش کشاورزی توانسته است سرمایه ها را جذب کرده و با مشکل تهیه نیروی انسانی مواجه است، تکنولوژی سرمایه بر و کاراندوز غالب گردیده و در کشورهایی که نیروی کار در بخش کشاورزی فراوان بوده و با کمبود سرمایه روبرو بوده اند تکنولوژی کار بر و سرمایه اندوز جایگزین شده است.

در کشور ما نمود مختلف و متفاوتی را می توان یافت. بطوریکه از کل مناطق کشاورزی ایران تنها کشت و صنعت ها عملیات کشاورزی آنها مکانیزه بوده و به عبارتی فعالیت آنها از نوع تکنولوژی سرمایه بر می باشد ولی در سایر موارد عملیات کشاورزی بطور کامل مکانیزه نبوده و یا کاملاً سنتی می باشد. در منطقه سیستان اگر چه تمامی کشاورزان زمین خود را با تراکتور شخم و دیسک می زنند ولی از سایر دنباله بندها مانند بذرکار، کودپاش و ... استفاده نمی کنند.

همه کشاورزان بلااستثنا متمایل به استفاده از ماشین آلات کشاورزی بودند و اثرات مثبت آن در منطقه بر روی تولید محصولات مشخص و نمایان بود.

در این منطقه کارایی ماشین آلات نشان دهنده استفاده کم آن در مقایسه با مقدار بهینه می باشد. و می توان با افزایش مصرف این عامل مهم در کشاورزی بر میزان تولید و بهره وری آن افزود. در این میان آنچه بسیار حائز اهمیت است هماهنگی و حرکت همسو و مؤثر قسمتهای مختلف در بخش کشاورزی مثل آبخیز داری، ترویج، ماشین آلات و زراعت و ... می باشد.